

کیهان



لخظه های قنوت

کنترل نفس در جایگاه قدرت

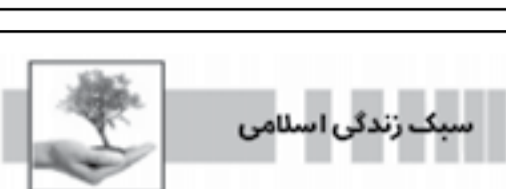
الله صل علی محمداً و آله، و لاترفعی فی الناس درجه الا

حططنتی مند نفسی مثلها، ولا تحدد لی عزاً ظاهراً الا احدت لی

ذله باطنه عند نفسی بقدرها...

خدایا بر محمد و آتش درود فرست و مرا نزد مردم بلندمرتبه مگردان، مگر آن که مرا به همان اندازه نزد خودم کوچک گردانی و عزتی آشکار به من ارزانی مدار، مگر آن که به همان اندازه مرا در باطن خویش خساکسازی.^۱

۱-صحیفه سجاده دعای ۲۰



سبک زندگی اسلامی

صله رحم

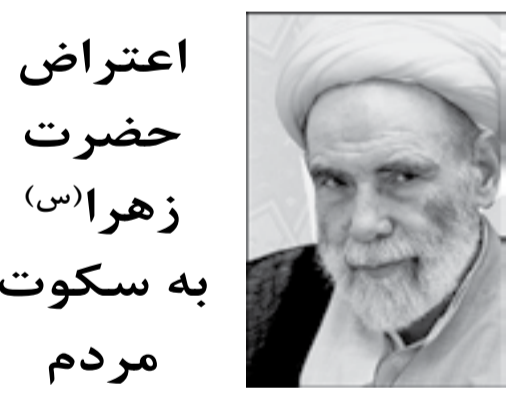
یکی از اصول اخلاقی کسه در منابع دینی و هم‌چنین سیره پیامبرگرامی(ص) و ائمه طاهریان(ع) درنظر و عمل به آن تأکید شده بحث از صله رحمت است. طبق نظر فقهای شیعه صله‌رحم جزء واجبات و ترک آن از گناهان کبیره محسوب می‌شود. هم‌چنین طبق روایات رسیده از پیامبر(کرم‌(ص) و اهل‌بیت(ع) معنای رحم گسترده و شامل خویشاوندان دور و نزدیک می‌شود. درمورد اهمیت صله رحم و کبفر قطع رحم آیات و روایات بسیاری نقل شده است. پیامبراکرم در این باره می‌فرماید: «به حاضران و غایبان و کسانی که در آینده می‌آیند وصیت می‌کنم که صله‌رحم کنند، گرچه با بیمؤمن فاضله یک سال راه باشد زیرا صله‌رحم جزء دین است» (اصول کافی ج ۲ ص ۱۱۱). امام باقر(ع) درباره نتایج اجرای این واجب الهی می‌فرماید: «صله‌رحم خوی انسان را نیکو، دست را باز، روح را پاکیزه، روزی را زیاد و مرگ را به عقب می‌اندازد» (اصول کافی ج ۲ ص ۱۵۱). در روایات در باب صله‌رحم گفته شده که این صفت، صفتی است که ثواب آن از همه چیز زودتر به انجام هدنده آن می‌رسد. امام صادق(ع) به یکی از یاران خود به نام میسرر فرمودند: «وقت مرگ تو چندین بار فرار رسید ولی در هر بار خداوند آن را به سبب صله‌رحم و نیکي تو به خویشانت به تأخیر انداخت.» (بخار ج ۷۴ ص ۹۹) نکته جالب در باب صله‌رحم آن است که در روایات حدود صله‌رحم بسیار گسترده است و شامل مؤمن و گناهکار، یا حتی کسی که خودش قطع کننده رحم است، می‌شود. درمورد عواقب قطع رحم نیز مذمت‌های بسیاری از جانب قرآن کریم و پیامبرگرامی(ص) و اهل بیت(ع) نقل شده است. امام سجاد(ع) ضمن گفتاری به فرزندش می‌فرماید: «اگر می‌بینشی با کسی که قطع رحم می‌کند دوری کن، زیرا در سه مورد از قرآن به او لعن شده است (آیه ۲۲محمّد، ۲ع، ۲۷ بقره)» (اصول کافی ج ۲ ص ۳۷۷)

در سیره ائمه طاهریان«ع» نیز عمل به این اصل اخلاقی و واجب در بالاترین حد خود به چشم می‌خورد. امام صادق(ع) بسرسرمویی داشتند که با عقد قیام علیه عباسیان در زندان منصور افتاده بود و لیکن با وساطت امام آزاد شده بود. او پس از آزادی با امام بعضاً تندی می‌کرد و حتی یک بار با ایشان درگیر شد. امام صادق(ع) پس از این ماجرا صلعه‌رحم را از یاد نبرد و با او ارتباط داشت (سیره‌النجباء ج ۱ ص۲۶۸). امام نقل کرده که امام صادق(ع) در بسیاری شهادت نیز پسرم عموی خود را از یاد نبرد و توصیه کرد به و ۷۰ دینار بپردازند. به امام گفته شد آیا به کسی که با شما دشمنی کرد و تا حد کشتن شما پیش رفت سفارشی بول می‌کنید؟ امام صادق(ع) با استناد به این آیه می‌فرماید: «وای کسانی که پدر و مادرشان را نازاندن بیولن ما امرالله به ان یوصل و یخشون ربهم و یخافون سوءالحساب... اولئک لهم عقبی‌الدار» (رعد۱ و ۲۲)

«آنها که بیوندهایی را که خدا دستور به برقراری آن داده برقرار می‌دارند، و از پروردگارش شمشورلیم دارند و از بدی حساب قیامت بیم دارند

... و پایان نیک سرای دیگر از آن ایشان است.»

افرید و آن را پاکیزه و خوشبو نمود. وی خوش آن تا دو هزار سال راه می‌رسد ولی به شمام کسی که پدر و مادرشان را نازاندن کنند با بستگانش صله‌رحم نداشته باشد نمی‌رسد. (فروع کافی ج ۷ ص ۵۵).



حضرت زهراسی) در مقام اعتراض به سکوت مردم نسبت به غضب جایگاه خلافت می‌فرماید: «آیا در قرآن تدبیر و دقت نمی‌کنید یاین که دقت می‌کنید اما چیزی نمی‌فهمید؟ یعنی یا تو به خورشید نگاه نمی‌کنی یا این که خورشید می‌تور روشن آن را نمی‌بینی، ببینید چشمک دستمال بحث می‌کنند . می‌گویند یا شما با قرآن توجه نکرده‌اید که مقصرد یا این که توجه کرده‌اید و در نمی‌یابید پس با هم مقصرد، راه سومی هم نیست، این روش هم منطقی است هم مستند به آیات قرآن. در تاریخ آمده که همین حضرت زهرانس) در پاسخخ به سوؤالات فقه نیز تماماً از آیات قرآن استفاده کرده و این نتیجه نفوذ کلام الهی در پیکره ایشان است. به هر حال حضرت مردم را در حصر قرار می‌دهد که یا اصلا در قرآن تدبیر نمی‌کنید و یا بر قلبهای شما قفل زده شده و نتیجه هر دو وضع روشن است، یعنی اگر در قرآن تدبیر کرده بودید که تکلیف خلافت و ارتح هر دو بر سر شما می‌رودش می‌شد، بعد یاد آنچه شما به آن اشاره کردید. یعنی عقابت که شما همام دومی هستید، یعنی اعمال زشت شما باعث شده که گوش و چشم شما حرف حق را نمی‌پذیرد، از هم تشخیص نمی‌دهد و قلبهای شما را زنگار گرفته است، و این اشاره به آثار وضعی گناه در باطن انسان است این یک سنّاله مهم است و خدا نیامرد آن روز را که مسلمانی قرآن بخواند اما از معارف آن بی‌بهره بماند، یا نعوذ بالله در جهت مخالف قرآن حرکت کند. پس حضرت می‌فرماید: شما مردم کار بدی کردید که به نام اسلام، اسلام را کویدید و آن را از مسیر اصلی‌اش منحرف کردید. آنچه شما کردید بد است و بد یاد آنچه شما به آن اشاره کردید. یعنی عقابت کار شما به بد جایی منتهی شده که به نام اسلام، اسلام را از مسیر خود منحرف کردن و دین را بین بردن است... یعنی شما در مقابل این سکوتتان این حق‌السکوت را گرفته‌اید که زندگی‌تان را راحت و بی‌دردسر باشد چون از دفاع از حق مبارزه دارد، رخص چراغ-ا شمشه کشته شدن دارد، در آنجا بین رفتن زندگی دارد اما شما زندگی راحت را در مقابل سکوتتان گرفتید ولی به خدا که بار سنگینی بر دوش خود نهاده‌ید، باری که عاقبت وخیمی در قیامت دارد، اما این حقیقتی روزی بر شما فاش می‌شود که برده‌ها کنار رود و خدمت‌های پشت پرده بر شما ظاهر گردد و چیزهایی از ناحیه خود بر شما واردشود که این ناسلامت نمی‌کردید و احتمال نمی‌دادید و در آنجا فقط صاحبان باطل زیان می‌کنند. آنجا خواهید فهمید که این زندگی چندروزه و چندلحظه‌ای دنیا ارزش آن را نداشت که حق را پامال کنید و مسیر شیطانی را به جای مسیریالهی برای خود و همگان انتخاب کنید می‌فهمید که این راحت‌طلبی‌ها ارزش نداشت.»^۱

در دو قسمت گذشته سلسله مطالب «منظومه فکری یک مسلمان» مباحث: اهمیت و ضرورت شناخت و آگاهی برای انسان، معنی معرفت و شناخت، امکان شناخت، منابع شناخت و ابزارهای کسب معرفت مورد بحث و بررسی قرار گرفت.

اینک بخش دیگری از این منظومه را از نظر می‌گردانید:

آفات شناخت

شناخت و معرفت و کسب آگاهی و اطلاع درست، نیز دارای آفات متعددی است. کسی که می‌خواهد به آگاهی و شناخت درست و مطابق واقع برسد و اشیاء و امور را نِ چنان که هستند بدون بزرگنمایی یا کوچک انگاری بشناسد باید از آفات شناخت دوری کند.

مگر انسان در این عرصه اندکی سطحی‌نگری کند و یا اینکه از شرف نفس اماره خویش و حب و بغض‌های خود غافل نشود، نمی‌تواند به شناخت واقعی و درست و

منظومه فکری یک مسلمان (۲)

آفات شناخت

***** عباسعلی کامرانیان

«فتنه» به معنای شرک، کفر، بلا و آزمایش، شکنجه و عذاب ، بلا و مصیبت‌های اجتماعی است. مصداق فتنه، فساد و فحشا می‌باشد که باعث فروپاشی یک نظام می‌شود و آسیب آن عمومی و فراگیر است. به همین جهت حضرت علی(ع) فرموده‌اند: در عرصه فتنه‌ها، مثلن بچه شتری باشید که (زندان روزگار)، نه از شما بار بکشند و نه بتوانند شما را بدوشند!

معرفت حقیقی برسد.

هر بین اساس، لازم است که آفات شناخت به درستی مورد بحث و بررسی

قرار گیرد.

آفات شناخت عبارت‌تند از:

- پیروی از گمان
- پیروی از هوای نفس
- پیروی کورکورانه از گذشتگان
- اندیشه گرفتن معیارهای عقلی و منطقی
- دوستی‌های کورکورانه
- تکبر
- حرص و طمع
- خشم
- انکار حق و لجبازی
- تمسب‌های جاهلی
- فتنه‌ها
- ۱-پیروی از ظن و گمان
- یکی از آفات شناخت، پیروی انسان از ظن و گمان است. وقتی انسان به جای آن که با دلیل و برهان و استدلال چیزی را قبول یا رد کند، براساس ظن و گمان به قبول یا رد چیزی بپردازد، در راه شناخت درست خویش مانع ایجاد می‌کند. خداوند متعال در آیه ۲۶ بونس در این باره فرموده‌اند:
[فاسقن، بترسستان و گمراهان] جز از گمان (و پندارهای بی‌اساس) پیروی نمی‌کنند (در حالی که) گمان،

دشمنی افراطی در انسان حالتی ایجاد نمی‌نماید که او خوب را بد و بد را خوب تصور می‌کند و ایتکار خود را نیز با انواع و اقسام توجیه‌ها، مشروع جلوه می‌دهد. نمونه عینی چنین حالتی را می‌توانز در عرصه اعمال انسانجای گناهکاری که کارهای خویش را درست می‌پندارند و آنها را نیز توجیه هم می‌کنند، مشاهده کرد.

هرگز (فرد را) از حق بی‌نیاز نمی‌سازد (و به حق نمی‌رساند). پیامبر اکرم(ص) در این باره فرموده است: وقتی گمان بریدی، آن را حقیقت نپندازند.۱)
نقطه مقابل این

کار نیز، یقین‌گرایی است.

۲- پیروی از هوای نفس،

دومین مانع شناخت، پیروی از هوای نفس است. انسان اگر به جای پیروی از دستورات الهی، پیرو هوای نفس خود شود و به جای خدا، هوای نفس را اله خود قرار دهد، از شناخت حقیقی باز می‌ماند. پیامبر اکرم در این باره فرموده‌اند:
از هوای نفس همه بیزیرید که انسان را کور و کر می‌کند.(۲)
خداوند در آیه ۲۶ ص در این باره فرموده‌اند:
و از هوای نفس (خودت) پیروی نکن که تو را از راه خدا منحرف سازد، کسانی که از راه خدا گمراه شوند، عذاب شدیدی به خاطر فراموش کردن روز حساب دارند!
در آیات دیگر هم به این مطلب اشاره شده است:
[فصص ۵۰- جاثیه ۲۲- محمد ۱۴- نطقه مقابل این نوع غلط هم عقل‌گرایی و عمل به دستورات حیات بخش خداوند متعال است. امام علی(ع) در این باره فرموده‌اند:
هوای نفس دشمن عقل است.(۳)
خداوند متعال در آیه ۲۸

۳- اطاعت کورکورانه از گذشتگان

سومین مانع شناخت، پیروی کورکورانه از گذشتگان است. کسانی که با عمل به روش‌ها و سنت‌های غلط و دوری از عقل و تفکر و تدبیر زندگی می‌کنند، از شناخت حقایق هستی باز می‌مانند.

خداوند متعال در آیه ۱۷۰ بقره به این نکته اشاره فرموده‌اند:

و هنگامی که به آنها (کفار و مشرک‌ان) گفته شود: آنچه خدا نازل کرده است، پیروی کنید، می‌گویند: نما از آنچه پدرامان را بر آن یافتیم پیروی می‌کنیم. آیا اگر پدران آنها، چیزی نمی‌فهمیدند و هدایت نیافتند، هم باز باید از آنها پیروی کرد و نقطه مقابل این نوع تفکر، عمل به دستورات الهی است.

۴- نادیده گرفتن معیارهای عقلی و منطقی

چهارمین مانع شناخت، عدم استناد درست به براین عقلی و منطقی و افتادن

در دام سفسطه و مغلطه است. اگر انسان به خاطر لجبازی یا حفظ منافع مادی نظیر: پشت و مقام، پول و ثروت، شهرت، وقداست و... نخواهد حقایق را با عقل و منطق بپذیرد، رو به انواع سفسطه و مغلطه می‌آورد. مثلا شیطان از مغلطه استفاده کرد و پاسخ خداوند که به او فرمود به آدم سجده کن گفت:

من از او بهترم! مرا از آتش آفریدهای تو و من از گل‌آل(۴)

در اینجا شیطان به جای اینکه ملاک برتری را اطاعت کامل از دستور الهی قرار دهد، جنس خود را ملاک قرار داد ن تقوی و اطاعت از دستور الهی را. پیامبر اکرم(ص) در این باره فرموده‌اند:
عقل رهامی مرد (انسان) است.

۵- دوستی‌ها و دشمنی‌های افراطی

پنجمین مانع شناخت و شناخت حق از باطل دوستی‌ها و دشمنی‌های افراد است. دوستی‌های افراطی و محبت‌های ویژه و دور از عقل و منطقی نیز از عوامل دورکننده انسان از شناخت واقعی است.

خداوند متعال در آیه ۲۸ قرآن عواقب چنین دوستی‌هایی را بیان فرموده است:
و به خاطر روزی را که ستمگر دستت خود را از شدت حسرت به دندان می‌گزد می‌گویی: آای کاش با رسول (خدا) راهی برگزیده بودم! آای وی بر من! کاش فلان (شخص گمراه) را دوست خود انتخاب کرده بودم!

پیامبر اکرم(ص) در این‌باره فرموده‌اند:دوستی تو نسبت به چیزی، تو را کر و کور می‌کند او از شناخت درست او باز می‌دارد.(۵)
امام صادق(ع) هم از قول امیرالمؤمنین فرموده‌اند:

- دوستی دنیا، انسان را کور و کر و لال می‌کند... (۷)

راه مقابله با این مانع هم، دوری از افراط و تفریط و حرکت در مسیر اعتدال و خرد است.

دشمنی‌های افراطی نیز انسان را از شناخت درست حقیقت باز می‌دارد.

دشمنی افراطی، چشم انسان را به روی بخشی از حقایق می‌بندد و بخش دیگر حقایق را، بزرگ تر از آنچه هست به او می‌نمایاند. گاهی نیز این حالت، حقایق هستی را برعکس به انسان نشان می‌دهد!

یعنی دشمنی افراطی در انسان حالتی ایجاد می‌نماید که او خوب را بد و بد را خوب تصور می‌کند و ایتکار خود را نیز با انواع و اقسام توجیه‌ها، مشروع جلوه می‌دهد. نمونه عینی چنین حالتی را می‌توان در عرصه اعمال انسانهای گناهکاری که کارهای خویش را درست می‌پندارند و آنها را نیز توجیه هم می‌کنند، مشاهده کرد. خداوند سبحان در آیه دوم سوره مائده مؤمنان را از افتادن در دام چنین حالتی منع فرموده است:

- ولا یجرنکم شتان قیوم اندوکم عن المسجدالحرام ان تعبدو و خصومت و دشمنی

معارف

Maaref@Kayhannews.ir

حق است.
انسان وقتی در دایره محدود لجبازی گرفتار شود، از آغاز بحث و بررسی انکار می‌کند. کسی که بنا دارد چیزی را نپذهد، به طور یقین همه قوای عقلی و نفسی و نیز حواس متعدد خویش را در این راستا بسیج می‌کند. اگر کسی در خواب باشد، با صدازدن می‌شود او را بیدار کرد اما اگر کسی خودش را به خواب بزند، اگر توپ هم در کنار گوشش در کنی، چشمش را باز نمی‌کند!

خداوند متعال در آیات متعدد قرآن مجید، به ویژه در آیات ۱۴ نحل و ۲۶ احقاف به این حقیقت اشاره فرموده‌اند.

علی(ع) نیز در این خصوص فرموده‌اند:
لجاحت و حق‌ناپذیری، رأی را از تئیه می‌سازد. (۱۵)

۱۰- تمسب‌های جاهلی

دهمین عامل دوری انسان از فهم درست و معرفت متقن، تمسب‌های جاهلی است. تمسب به؛ گذشتگان، فامیل، هم‌شهری، هم‌زبان ، هم‌حزبی و هم‌گروهی،



هم‌پایسی، هم کاری و... از جمله تمسب‌هایی است که انسان را از شناخت حقیقت زلال باز می‌دارد.

مثلا وقتی حضرت ابراهیم(ع) به اطرافیانش فرمود چرا تهاهی را می‌پرستید که نه می‌شنوند و نه سود و زبانی برایشان دارند؟ جواب آنها این بود که بل، وجدنا آبااننا کذالک یفعلون

مفسر تفسیر نمونه هم نوشته است:
مسلمان نباید کینه‌توز باشد و حوادثی را که در زمانهای گذشته واقع شده، بار دیگر در فکر خود زنده کند و درصدد انتقام برآید.

در آیه۱۴ مائده هم این مطلب با تأکید بیشتری آمده است:

باشه! گفتند: پدرامان را دیدیم که چنین می‌کنند! (مائده ۷۷ و ۱۰۴- زخرف ۲۲- ۲۴- بقره ۱۷۰- قس ۲۸ و...)
یا وقتی پیامبر اکرم(ص) ظهور کرد، با اینکه علمای یهود نسنانه‌های او را در تورات یافته بودند و او را بخویش می‌شناختند (بقره ۱۲۶) و بخاطر اینکه می‌دانستند پیامبر موعود در حجاز و مکه و مدینه ظهور خواهد کرد در اطراف مدینه مستقر شده بودند، وقتی دیدند که حضرت محمد(ص) از بنی‌اسرائیل نیست و از عرب است به انکار او پرداختند (بقره ۸۹)

بنابراین؛ نزادپرستی، قوم پرستی، طائفه‌گرایی، حزب‌گرایی، و... از جمله مواعنی هستند که نمی‌گذارند انسان به شناخت درست و آگاهی مناسب برسد.

۱۱- فتنه‌ها

بلاها و آشوب‌ها و بلا و آزمایش سخت، شکنجه و عذاب و اموری از این قبیل نیز می‌توانند عقل انسان را حیران و قوه تشخیص او را مختل نمایند.

البته مومنانی که به خداوند سبحان ایمان آورده‌اند، عمل صالح انجام می‌دهند و به حضرت حق توکل می‌کنند، گوهر وجودشان در گوره حوادث صیقلی می‌خورد و زنگار وجود آنها زوده می‌شود و در عرصه فتنه‌ها نیز می‌توانند خود را حفظ نمایند و با پناه بردن به خداوند متعال و استمداد از قرآن و اهل بیت(ع)، سالم می‌مانند.

۱۱- فتنه‌ها
بلاها و آشوب‌ها و بلا و آزمایش سخت، شکنجه و عذاب و اموری از این قبیل نیز می‌توانند عقل انسان را حیران و قوه تشخیص او را مختل نمایند. البته مومنانی که به خداوند سبحان ایمان آورده‌اند، عمل صالح انجام می‌دهند و به حضرت حق توکل می‌کنند، گوهر وجودشان در گوره حوادث صیقلی می‌خورد و زنگار وجود آنها زوده می‌شود و در عرصه فتنه‌ها نیز می‌توانند خود را حفظ نمایند و با پناه بردن به خداوند متعال و استمداد از قرآن و اهل بیت(ع)، سالم می‌مانند.

***** **دهمین عامل دوری انسان از فهم درست و معرفت متقن، تمسب‌های جاهلی است. تمسب به؛ گذشتگان، فامیل، هم‌شهری، هم‌زبان ، هم‌حزبی و هم‌گروهی، هم‌پایسی، هم کاری و... از جمله تمسب‌هایی است که انسان را از شناخت حقیقت زلال باز می‌دارد.**

اما اکثر مردم در عرصه فتنه‌ها و بلاها و آشوب‌ها، دچار سردرگمی و اشتباه می‌شوند. برای اساس با غمض عین از خواص و اولیای‌الله، که از آفات فتنه‌ها مصون هستند، می‌توان گفت که فتنه‌ها نیز از جمله آفات شناخت و معرفت حقیقی هستند.

«فتنه» در قرآن به دو معنی آمده است:

الف: در بعضی از آیات قرآن مجید فتنه به معنی امتحان و آزمایش آمده است مانند آیه دوم و سوم سوره عنکبوت که می‌فرماید:
آیا مردم گمان کردند همین که یوگویند: ایمان آوردیم، به حال خود رها می‌شوند و آزمایش نخواهند شد. ما کسانی را که قبل از آنها بودند آزمودیم (و اینها را نیز امتحان می‌کنیم).

ب: به معنی بیلوا و آشوب و درهم شدن حق و باطل با هم به طوری که شناخت آدمی از باطل سخت شود که در چنین شرایطی، زمینه ربا گرانه و نزول عذاب الهی آماده می‌شود.

خداوند سبحان در آیه ۲۵ انفال در این باره فرموده‌اند:
والتقوا فتنه لاتصیب الذین ظلموا کلما خصه وواعلموا ان الله لید العذاب القالب
و از فتنه‌ای بیهیروزید که فقط به ستمکاران شما نمی‌رسد (بلکه همه را فراخواهد گرفت زیرا؛ گناهکاران گناه کردند و دیگران هم سکوت) و بادنبند که خداوند سخند کبیر است!

مفسر تفسیر نور دربارِه این آیه نوشته است:

«فتنه» به معنای: شرک، کفر، بلا و آزمایش، شکنجه و عذاب است و دراین آیه، به معنای: بلا و مصیبت‌های اجتماعی است.

مصداق فتنه، فساد و فحشا می‌باشد که باعث فروپاشی یک نظام می‌شود و آسیب آن عمومی و فراگیر است.

به همین جهت حضرت علی(ع) فرموده‌اند:

در عرصه فتنه‌ها، مثل بچه شتری باشید که (زندان روزگار)، نه از شما بار بکشند و نه بتوانند شما را بدوشند!

تخلف از دین و دستورات الهی، مایه بروز فتنه و (در نبی) آن عذاب الهی است. بنابرین اساس وقتی در جامعه‌ای فتنه برپا شود و گردوغبار فتنه در همه جا منتشر گردد، شناخت دقیق و درست مسایل مشکل می‌شود.

مفسر تفسیر نمونه هم دراین باره ذیل آیه ۲۵ انفال نوشته است:

فتنه در قرآن در موارد متعدد به معنای: آزمایش و امتحان و گاهی به معنای بلا و مصیبت و عذاب بگزارفته است. دراین آیه فتنه به معنای بلا و مصائب اجتماعی است که دامن همه را می‌گیرد و به اصطلاح خشک و تر در آن می‌سوزند.

و درحقیقت خاصیت حوادث اجتماعی چنین است هنگامی که جامعه در اداء رسالت خود کوتاهی کند و برائت‌قانون‌شکنی‌ها، هرج و مرج‌ها و ناسمی‌ها و مانند آن به برآید نیکان و بدان در آتش آن می‌سوزند.

۲- و آنچه الفصاحه احادیث ۱۹۹ و ۱۰۰۱	۹-غرالحکم ص ۱۹
۳- البخاری ج ۲۸ ص ۱۲	۴-الاحیات ج ۱ ص ۳۰۳
۴-سوره ص آیه ۷۶	۱۱-تخلعالمقول ص ۵۲
۵-نهیالفصاحه ج ۱۹۶۱	۱۲-نهی‌البیلاغه ۱۸۴
۶- البخاری ج ۲۷ ص ۱۶۵	۱۳-تخلعالمقول ص ۲۹۴
۷-اصول کافی ج ۲ ص ۱۲۶	۱۴-غرالحکم ۲۲۲
۸- مستدرک ج ۱ ص ۱۷	۱۵-نهی‌البیلاغه ۱۱۷۰

قرآنی انسان نیز از یک جهت همانند گیاه است که دارای رشد و نمو است. این خداسنت که انسان را از زمین چون گیاه می‌رویاند و پرورش می‌دهد. عناصر کالبدی انسان همانند همه گیاهان و جانوران از خاک است. رشد و نمو انسان نیز مانند رشد و نمو گیاهان است. بنابراین انسان مانند مراقبت دایمی باغبان است تا به موقع آب و کود داده شود و آفات و بیماری‌هایش درمان شود. لذا خداوند به اشکال گوناگون به پرورش این گیاه و رشد و نمو آن توجه می‌کند و از ابزارهای گوناگونی بهره می‌برد.

ربوبیت الهی همراه با تربیت است. خداوند رب و مربی است. پس به هدف خاص انسان را در جهت خاص رشد می‌دهد و تربیت می‌کند. در اینس میان پیامبران نقش اصلی را بازی می‌کنند. آنان با توجه به شناختی که از فطرت بشر دارند، او را به میزان نیاز آبیاری می‌کنند و از خزانن به مقدار مورد نیاز می‌دهند.

از آنجایی که پیروی انسان در محیط دنیا نمی‌توانند در سلامت کامل رشد کنند و آفت‌های درونی و بیرونی از جمله وسوسه‌های شیطانی آنها را بیمار می‌کند، لازم است که آفت‌زدایی شوند. اینجاست که پیامبران به عنوان درمانگر با قرآن وحیانی به کمک انسان می‌آیند. (اسراء، آیه ۸۲، نهی‌البیلاغه، خطبه ۱۰۸)

بسیاری از مردم گرفتار بیماری‌هایی چون خیانت چشم‌ها و بیماری دل‌ها (حزاب، آیه ۳۲، مائده، آیه ۵۲) رشوه و دروغ و مانند آن هستند.

پس لازم است تا درمان شوند. خداوند به عنوان رب‌العالمین در مقام ربوبیت آنان را درمان می‌شوند. بنابراین ایمان حرفی و عملی می‌دهد تا گیاهی شاداب و سرزنده به آخرت منتقل شود.

صفحه ۶
بنچ شنبه ۲۹ فروردین ۱۳۹۲
۷ جمادی‌الثنی ۱۴۳۴ – شماره ۲۰۴۷۰



چراغ راه

جایگاه علم در بندگی خدا

قال علی(ع): بالعلم یتاعلله و یعبد، و بالعلم یعرفالله و یوحده، و بالعلم توصل الراحم، و به یعرف الحلال و الحرام، و بالعلم امام العقل و العقل تابعه، یلهمه الله السعداء و یحرمه الاشقیاء.
علی(ع) فرمود: خدا به وسیله علم اطاعت و عبادت می‌شود و به وسیله علم می‌توان خدا را شناخت و یگانه دانست، و صله ارحام (خویشاوندان) با علم صورت می‌گیرد و با آن می‌توان حلال و حرام را شناخت، و علم پیشوای عقل است و عقل پیرو آن خدا، خدا علم را به نیک‌بختان الهام می‌کند و تیره‌بختان را از آن محروم می‌سازد.^(۱)

۱- بحار‌الانوار، ج ۱، ص ۱۶۶



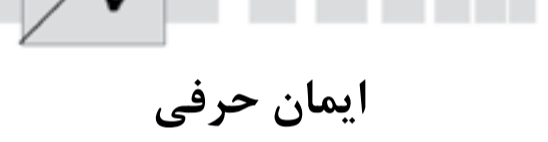
حکایت خوبان

تعریف عملی «الله»

از امام حسن‌عسکری(ع) روایت شده است که فرمود: «الله» کسی است که هنگام نیازها و گرفتاری‌ها، هر مخلوقی، خدایی‌اش را حس می‌کند هنگامی که امید از غیر او قطع شود و از هر که جز او، کاری برنیاید، می‌گوید «بسم‌الله» یعنی در همه امورم از خدایی مدد می‌خواهم که عبادت جز برای او شایسته نیست، فریادس است آن گناه که از او کمک بخوایند و اجابت‌گر است (آن گاه) که او را بخوانند. و او چنان است که مردی به حضرت صادق(ع) فرمود: ای فرزند رسول(خداص) خدا را به من بنمایان که چیست؟ مجاهدگنندگان سخنان زیادی برابرم گفته‌اند و مرا حیران ساخته‌اند؟ امام(ع) فرمود: ای عبدالله! آیا هرگز در کشتی سوار شده‌ای؟ گفت: آری. فرمود: آیا شده که کشتی بشکند(و بر تخته پاره‌ای قرار گیری به‌گونه‌ای که نه کشتی‌ای برای نجات بیایی و نه شناگری تو را نجات دهد؟ آن مرد پاسخ داد، آری.

اسمام(ع) فرمود: آسا در آن حال حس کردی که قلبت به چیزی گرایش دارد که می‌تواند تو را از آن مهلکه گرفتاری نجات دهد؟ پاسخ داد: آری. امام(ع) فرمود: همان چیز خداسنت که قادر به نجات است، آنجا که نجات‌بخشی نیست، و به فریاد می‌رسد آن هنگام که فریادرسی وجود ندارد.^(۱)

۱- بحار‌الانوار، ج ۳، ص ۴۱



پریش و پاسخ

ایمان حرفی

پریشان:
اینکه در قرآن کریم آمده از میان مردم برخی خدا را تنها با حرف می‌پرستند به چه معنا است و شاخص ایمان واقعی و غیرحرفی در این رابطه چیست؟
پاسخ:

قرآن کریم در سوره حج آیه ۱۱ می‌فرماید: «از میان مردم کسی است که خدا را تنها با حرف (زبان) می‌پرستند، پس اگر چیزی به او رسد، دلش به آن آرام گیرد و اگر فتنه‌ای به او رسد (و با مصیبتی مورد آزمایش واقع شود)، رو برمی‌تابد (و کفر می‌ورزد)، او در دنیا و آخرت زیانکار است و آن زبانی اشکار است.»

این دلیل از شریفه از پرستش بعضی از مردم با تعبیر «علی‌حرف» سخن به میان آمده است که می‌تواند دارای دو معنای زیر باشد:
۱- اگر حرف از کنایه از زبان بدلتیم، معنای آیه شریفه چنین می‌شود: بعضی از مردم ایمان کامل ندارند و خدا را تنها به زبان می‌پرستند و ایمانشان قلبی نیست. بنابراین، از ایمان زبانی و سطحی برخوردارند.

۲- در صورتی که حرف را به معنای لیس و کنار چیزی بدلتیم، معنای آیه شریفه چنین خواهد بود: آنها در متن ایمان و اسلام قرار ندارند، بلکه در حاشیه و کنار آنند، در این صورت همانند افراد فرستطلی هستند که در کناره لشکر ایستاده، منتظرند تا اگر شکستی پیش آید، فرار کنند و چنانچه غنیمتی به دست آید، خود را در آن سهیم بدانند. (تفسیر نمونه، ج ۱، ص ۳۳)

ویژگی‌های ایمان حرفی
کسانی که از ایمان سطحی برخوردارند، همواره مضطرب و متزلزلند، هر دم به سوئی روی می‌آورند و از آرامشی که در پرتو ایمان کامل به دست می‌آید، برخوردار نیستند. از منظر آیات و روایات مصیبتها و سختیها، معیار و محک مناسبی برای ارزیابی و سنج